

سفرنامه

سیر با کتاب

گزارش سفر به سوریه و لبنان

علی رفیعی علامرودشتی

سال ۱۹۸۵م باز می‌گردد. از آن پس، این نمایشگاه هر ساله در این کشور برگزار می‌شود. گزارشی از سیر برپایی این نمایشگاه، از آغاز تا امروز، گویای رشد چشمگیر آن و تحول و تنوع کمی و کیفی منابع و مآخذ عرضه شده در آن است.

نخستین نمایشگاه بین‌المللی کتاب سوریه، که از تاریخ یکم تا دهم تشرین اول / آگوست ۱۹۸۵ در این کشور برگزار شد، تنها یک نمایشگاه داخلی بود که ۲۲ ناشر، با ۲۱ غرفه و ۲۴۳۸ عنوان کتاب، شرکت کرده بودند، ولی در نمایشگاههای بعدی، ناشران دیگر کشورها نیز شرکت کرده بودند، که به این شرح است:

۱. نمایشگاه دوم (۱-۱۰ تشرین اول ۱۹۸۷)، شامل ۹ کشور، ۱۲۵ ناشر، در ۷۱ غرفه، با ۱۲۶۴۵ عنوان.

۲. نمایشگاه سوم (۱-۱۰ تشرین اول ۱۹۸۷)، شامل ۱۰ کشور، ۱۵۷ ناشر، در ۸۰ غرفه، با ۱۳۹۳۲ عنوان.

۳. نمایشگاه چهارم (۲۱-۳۰ ایلول / سپتامبر ۱۹۸۸)، شامل ۱۸ کشور، ۲۴۶ ناشر، در ۹۸ غرفه، با ۱۴۵۹۲ عنوان.

۴. نمایشگاه پنجم (۲۱-۳۰ ایلول ۱۹۸۹)، شامل ۲۲ کشور، ۲۵۳ ناشر، در ۱۲۱ غرفه، با ۱۷۷۳۴ عنوان.

۵. نمایشگاه ششم (۲۱-۳۰ ایلول ۱۹۹۰)، شامل ۲۲ کشور، ۲۶۵ ناشر، در ۱۲۷ غرفه، با ۲۰۷۸۰ عنوان.

در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۷۸ / ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۹ به عزم شناسایی کتابخانه‌ها و مراکز علمی و مؤسسات تحقیقی و پژوهشگاهی و تهیه منابع و مآخذ مورد نیاز مرکز دایرةالمعارف کتابخانه‌های جهان، وابسته به کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)، و تکمیل کتابها و مجموعه‌های این کتابخانه، راهی کشورهای سوریه و لبنان شدیم.

آنچه در پی می‌آید، گزارشی از این مأموریت علمی، فرهنگی و پژوهشی است، که در دو بخش تقدیم علاقه‌مندان و پژوهشگران می‌گردد.

الف. جمهوری عربی سوریه

۱. پانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب سوریه: پیشینه برپایی نمایشگاه بین‌المللی کتاب در جمهوری عربی سوریه، به

نیز به صورت وکالت در این نمایشگاه حضور داشتند.

این نمایشگاه با حضور سرکار خانم دکتر نجاح عطار، وزیر فرهنگ، و وزرای اقتصاد، تربیت و دادگستری، و آقای شاکر الفحام، رئیس فرهنگستان زبان عربی، غسان اللحام، رئیس کتابخانه ملی اسد، و تنی چند از سفیران کشورهای اسلامی و مسئولان فرهنگی، در تاریخ یادشده کار خویش را آغاز کرد.

نمایشگاه امسال کتاب سوریه، با استقبال قشرهای مختلف مردم، به ویژه نسل جوان، نویسندگان و روشنفکران روبه رو شد. حضور گسترده جوانان، حکایت از خرید کتاب نداشت، ولی استقبال آنان، گویای ارج نهادن به فرهنگ مکتوب است؛ و نشان از این حقیقت انکارناپذیر دارد که برپایی این نمایشگاهها، تشنگی علاقه‌مندان به کتاب را زیاده‌تر می‌سازد و در آنها اشتیاق به خریداری کتاب را دوچندان می‌نماید. علی‌رغم این که باغچه مجاور کتابخانه اسد، به فضای نمایشگاه اضافه شده بود، ازدحام جمعیت در راهروهای خیمه‌های برپا شده چنان زیاد بود که در بیشتر اوقات مانع تردد و بازدید در محوطه نمایشگاه بود.

کتابهای داستان، رمان، هنری، آموزش زبان، خیاطی، آشپزی، کودک، فالگیری، کف‌بینی، تنجیم و تعبیر خواب در نمایشگاه فراوان بود، و حتی کتابهای غیر مذهبی نیز بسیار زیاد بود، اما به اعتراف روزنامه‌ها و جراید سوریه، امسال نیز استقبال مردم از کتابهای مذهبی، ادبی، تاریخی و آثار تراثی، بیش از سایر کتابها بوده است؛ و این نکته‌ای است بسیار قابل تأمل. پیشنهاد برگزاری و تشکیل نمایشگاههای استانی و دایمی نیز از جمله مسائلی بود که در مطبوعات سوریه به چشم می‌خورد، زیرا برپایی این نمایشگاه خود عاملی برای تشویق مردم به فرهنگ کتابخوانی و گسترش دامنه فرهنگ مکتوب به شمار می‌رود.

یکی دیگر از مسائلی که در محافل روشنفکری سوریه و در مطبوعات و جراید به آن پرداختند، تأسیس مکانی خاص با محیطی بازتر و فضایی گسترده‌تر و درخور شأن نمایشگاه

۶. نمایشگاه هفتم (۲۱-۳۰ ایلول ۱۹۹۱)، شامل ۲۳ کشور، ۳۱۲ ناشر، در ۱۳۲ غرفه، با ۲۳۵۰۰ عنوان.
 ۷. نمایشگاه هشتم (۲۳ ایلول - ۲ ت ۱-۱۹۹۲)، شامل ۲۳ کشور، ۳۰۹ ناشر، در ۱۴۲ غرفه، با ۲۷۰۰۰ عنوان.
 ۸. نمایشگاه نهم (۲۳ ایلول - ۲ ت ۱-۱۹۹۳)، شامل ۲۰ کشور، ۳۱۱ ناشر، در ۱۷۵ غرفه، با ۳۰۰۰۰ عنوان.
 ۹. نمایشگاه دهم (۱۵-۲۵ ایلول ۱۹۹۴)، شامل ۱۹ کشور، ۳۱۳ ناشر، در ۱۸۹ غرفه، با ۳۲۰۰۰ عنوان.
 ۱۰. نمایشگاه یازدهم (۱۵-۲۵ ایلول ۱۹۹۵)، شامل ۲۰ کشور، ۳۱۲ ناشر، در ۱۹۱ غرفه، با ۳۲۵۰۰ عنوان.
 ۱۱. نمایشگاه دوازدهم (۱۵-۲۵ ایلول ۱۹۹۶)، شامل ۱۸ کشور، ۳۱۵ ناشر، در ۲۱۹ غرفه، با ۳۳۰۰۰ عنوان.
 ۱۲. نمایشگاه سیزدهم (۱۵-۲۵ ایلول ۱۹۹۷)، شامل ۱۹ کشور، ۳۴۶ ناشر، در ۲۲۱ غرفه، با ۳۴۰۰۰ عنوان.
 ۱۳. نمایشگاه چهاردهم (۱۵-۲۵ ایلول ۱۹۹۷)، شامل ۱۵ کشور، ۳۵۷ ناشر، در ۲۲۶ غرفه، با ۳۵۰۰۰ عنوان.
- نمایشگاه پانزدهم بین‌المللی کتاب سوریه، از تاریخ ۱۶-۲۵ ایلول ۱۹۹۹ / ۲۵ شهریور - ۳ مهر ۱۳۷۸، همچون سالهای گذشته، در فضای بیرونی و حیاط کتابخانه ملی اسد برگزار شد؛ و هفده کشور، ۳۹۶ ناشر بنا بر نوشته دلیل للعرض الخامس عشر للكتاب العربی، و ۴۰۶ ناشر بنا بر گزارشهای غیر رسمی، با ۱۷۷۲۳ عنوان، برابر آنچه در کتاب دلیل المعرض یاد شده، و ۳۵۸۰۰ عنوان عرضه شده در نمایشگاه، در ۲۵۳ غرفه، در این نمایشگاه شرکت داشتند.

در این نمایشگاه، کشورهای عربی: اردن، امارات متحده عربی، تونس، عربستان سعودی، عمان، قطر، کویت، لبنان، لیبی، مصر، مغرب، و کشورهای غیر عربی: ایران، انگلیس، آمریکا، روسیه و فرانسه، و برخی از مؤسسات، مانند: جامعه الدول العربیه (معهد المخطوطات العربیه)، جمعیت هلال احمر عربی سوریه و المنظمة العربیه للتربية والثقافة والعلام (المركز العربی للتعريب) شرکت کرده بودند. برخی از ناشران

بین‌المللی کتاب بود، که همگان اقرار و اعتراف داشتند که فضای اطراف کتابخانه اسد، به هیچ‌وجه مناسب این نمایشگاه نیست، زیرا:

۱. فضای اطراف کتابخانه اسد، اصولاً برای برگزاری این قبیل نمایشگاهها نیست. صرف‌نظر از کمبود فضای لازم، از امکانات کافی بی‌بهره است.

۲. هیچ‌گونه امکانات رفاهی، مانند آب آشامیدنی، مواد غذایی و بهداشتی، دستشویی، مکانهای خاص برای استراحت بازدیدکنندگان، کارگر و باربر در فضای نمایشگاه برای حمل کتاب وجود نداشت.

۳. عدم اختصاص وسایل حمل‌ونقل برای بازدیدکنندگان در موقع افتتاح نمایشگاه و پس از بسته شدن آن.

۴. بازرسی بازدیدکنندگان در موقع خروج از نمایشگاه، به‌ویژه برای کسانی که خرید معتابهی از نمایشگاه کرده بودند، صرف وقت فراوانی نیاز داشت.

از این موضوعات که بگذریم، برپایی این قبیل نمایشگاهها، برای آن است که علاقه‌مندان به کتاب بتوانند به راحتی و با صرف وقت و بودجه‌ای کمتر، به کتابهای مورد نظر خویش سریعتر دست یابند؛ و از آخرین فرآورده‌های علمی و فرهنگی اطلاع یابند. بنابراین، علی‌القاعده نمایشگاههای کتاب باید هر سال روبه رشد باشند؛ و آخرین و بهترین مواد مورد نیاز جامعه را ارائه کنند. اما متأسفانه، چون بازار کتاب روبه حرفه‌ای شدن و اقتصادی فکر کردن ناشران به پیش می‌رود، می‌بینیم نمایشگاههای کتاب هر سال بدتر از سال قبل است. آماری که از برپایی نمایشگاه در سوریه ذکر کردیم، نشانه آن است که از نظر کمی روبه رشد و شکوفایی بوده است، اما از جهت کیفی چنین نبوده است، زیرا در این نمایشگاهها هر سال کمتر از سال پیش خواسته‌های خویش را یافته‌ام؛ در مقابل، پس از پایان نمایشگاه، تمامی و یا ۹۸ درصد نیازهای خود را در کتابفروشیها و انتشاراتیهای دمشق و حلب و از همان ناشران شرکت‌کننده در نمایشگاه یافته‌ام. بسیاری از بازدیدکنندگان و علاقه‌مندان به

کتاب نیز گرفتار چنین مشکلی بودند. من شاهد بودم که ناشران با ارائه کارت ویزیت و آدرس خویش به بازدیدکنندگانی که در جست‌وجوی کتاب بودند و در نمایشگاه نمی‌یافتند، آنها را به کتابفروشی و انتشارات خود دعوت می‌کردند و می‌گفتند این کتابها را در کتابفروشی خویش داریم.

در نمایشگاه امسال سوریه، ناشران زیادی شرکت داشتند: چهارده ناشر از اردن؛ چهار ناشر از امارات عربی؛ چهار ناشر از ایران؛ یک ناشر از انگلیس؛ چهار ناشر از تونس؛ ۲۹ ناشر از عربستان سعودی؛ یک ناشر از عمان؛ یک ناشر از فرانسه؛ دو ناشر از قطر؛ سه ناشر از کویت؛ ۱۱۳ ناشر از لبنان؛ دو ناشر از لیبی؛ ۱۰۰ ناشر از مصر؛ یک ناشر از آمریکا؛ سه ناشر از مغرب (مراکش)؛ ۱۱۴ ناشر از سوریه. بنابراین، صرف‌نظر از سوریه، در بین دیگر کشورهای شرکت‌کننده، بیشترین سهم را لبنان، مصر و عربستان سعودی داشتند.

جای تأسف بسیار است که از ایران فقط چهار ناشر در این نمایشگاه شرکت کرده بودند؛ آن‌هم بسیار محدود و با کتابهایی که بعضاً چاپ آنها به سالها قبل باز می‌گشت، اما در عین حال مورد استقبال فراوان بازدیدکنندگان قرار گرفتند.

با توجه به موجود بودن امکانات و سهولت شرکت در این نمایشگاه و استقبال شدید مردم و علاقه‌مندان به کتاب و ارزان بودن قیمت کتابها، جای آن داشت که ناشران ایرانی - که بسیاری از آنها در دو دهه اخیر، کتابهای ارزنده و مهم و ترائی عربی را منتشر ساخته‌اند - در این قبیل نمایشگاهها شرکت می‌کردند و کتابهای خویش را عرضه می‌کردند. به‌ویژه روی سخن با مؤسسات و مراکز علمی و تحقیقی است که بسیاری از آثار مهم شیعه را منتشر کرده‌اند و به دنبال عرضه آثار خویش هستند. آیا این‌گونه نمایشگاهها، بهترین مکان برای عرضه افکار و اندیشه‌های شیعه نیست؟

در نمایشگاه امسال سوریه، کتابهای تازه انتشار یافته و مهم کم نبودند؛ و این خود مایه دلگرمی بود؛ و تا حدودی ضعفها و کاستیهای یادشده را تحت الشعاع قرار می‌داد. البته برخلاف

سال گذشته، امسال ناشران راضی به نظر می‌رسیدند.

۲. همایش گفت‌وگوی تمدنها (حوار الحضارات): در کنار نمایشگاه بین‌المللی کتاب سوریه، و در یکی از سالنهای کتابخانه ملی اسد، همایش علمی و فرهنگی گفت‌وگوی تمدنها برگزار شد. گفت‌وگوی تمدنها، که پس از طرح آن از سوی ریاست جمهوری اسلامی ایران، حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی، در محافل روشنفکری عرب و غرب بسیار مورد استقبال قرار گرفت، موجب تشکیل همایشهای متعدد، تألیف آثار، رساله‌ها، مقالات و کتابهای گوناگونی در مطبوعات عربی، به‌ویژه در سوریه و لبنان شده است. تشکیل همایش گفت‌وگوی تمدنها، در عرض نمایشگاه بین‌المللی کتاب سوریه، در مدت برپایی نمایشگاه، یکی از فعالیتهای بزرگ علمی - فرهنگی در این راستا بود. در این همایش، دانشمندان و صاحب‌نظران سرشناس، مانند دکتر عبدالباقی اسد ماسی، وزیر فرهنگ تونس، دکتر حسن حنفی از دانشمندان بنام مصر، دکتر سمیر امین از نویسندگان مصری، دکتر مروان فارس و دکتر رضوان السید از لبنان، دکتر یوسف سلامه، دکتر سامی الخیمی و دکتر عادل العدا، از روشنفکران و نویسندگان سوری، شرکت و سخنرانی کردند، که مورد استقبال نسل جوان قرار گرفت.

۳. بیستمین کنفرانس تاریخ علوم در نزد عرب: در پایان نمایشگاه بین‌المللی کتاب سوریه در دمشق، در تاریخ ۲۵ - ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۹ - ۳/۴ مهر ۱۳۷۸، در شهر حلب و در مرکز «معهد التراث العلمي» در دانشگاه حلب، بیستمین کنفرانس تاریخ علوم در نزد عرب، برپا شد، که در این کنفرانس شخصیتهای علمی از چندین کشور شرکت داشتند. از ایران نیز تنها دانشمندی که مقاله‌ای به این کنفرانس ارائه داده بود، آقای دکتر ابوالقاسم امامی بود، که با ارائه مقاله پرمحتوای «رسالة الكيمياء عند ابي علي مسكويه رازی» به زبان عربی، بسیار مورد تشویق حضار قرار گرفت؛ و مایه سرافرازی ایرانیان گردید. از شگفتیهای این کنفرانس، حضور چشمگیر دانشمندان و فرزندان ایرانی، در متن مقالات ارائه شده به کنفرانس بود؛ به

گونه‌ای که بیشتر مقالات در باره دانشمندان ایرانی، مانند بوعلی سینا، زکریای رازی، ابن مسکویه و دیگر شخصیتهای علمی ایران بود. با این حال، بسیار جای تأسف بود که از ایران، تنها یک مقاله به این کنفرانس ارائه شده بود. این جانب نیز، از این موقعیت و فرصت به دست آمده استفاده کردم و به‌همراه برادر دانشورم جناب آقای اکبر ایرانی، در این کنفرانس شرکت نمودم؛ و با برخی از شخصیتهای علمی شرکت‌کننده در کنفرانس، از جمله رئیس معهد التراث العلمي حلب، دکتر خالد ماغوط، در حاشیه این کنفرانس ملاقات کردیم؛ و در باره برخی از مسائل مطرح شده در کنفرانس و کتابهای علمی و تراث اسلامی تبادل نظر انجام گرفت.

۴. انستیتیوی مطالعات اسلامی فرانسه: یکی از مراکز مهم علمی - فرهنگی که در شهر دمشق بیش از هفتاد سال است که دست‌اندرکار پژوهش و انتشار متون کهن اسلامی است، المعهد الفرنسي للابحاث الاسلاميه و یا المعهد الفرنسي للدراسات العربيه در دمشق است، که در سال ۱۹۲۲م تأسیس یافته است. این معهد که سابقه‌ای هفتاد ساله دارد، غیر از کارهای پژوهشی و تحقیقی بر روی متون کهن، در زمینه‌های گوناگون، و انتشار دهها کتاب مهم و ارزنده به زبانهای عربی و فرانسوی، دارای کتابخانه‌ای مجهز و مهم با بیش از پنجاه هزار جلد کتاب، صدها نشریه ادواری، ریزفيلم، نسخه‌های خطی و مواد سمعی و بصری است و با بسیاری از مراکز و مؤسسات و کتابخانه‌های داخل و خارج کشور سوریه، به‌ویژه با کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی(ره) ارتباط و تبادل فرهنگی دارد. ریاست کنونی معهد، به عهده آقای دکتر میشل نیتو است، که فردی عالم و متخصص و آشنا به علوم اسلامی است.

در میان آثار و منشورات این معهد، کتابهای مهمی چون الخطيب البغدادي، تحقیق یوسف العیش، الفلاحه النبویه، از ابن وحشیه با تحقیق توفیق فهد در سه جلد، مقالید علم الهیة بیرونی، تحقیق خانم مای تریز دوبارنو، سه جلد کتاب در باره صلاح‌الدین ایوبی به زبان عربی، و رساله‌های ماسینیون به چشم

می‌خورد. حدود یک دهم تحقیقات منتشر شده این معهد را مستشرقانی بزرگ، مانند هانری کربن، شارل پیلا، هنری لاوست، لویی ماسینیون و پیرلوری انجام داده‌اند. مجله الدراسات الشرقیه (B.E.D)، که تا کنون بیش از پنجاه شماره آن منتشر شده، یکی از مجله‌های علمی، تحقیقی و پژوهشی نیم‌قرن اخیر در سوریه است.

۵. دیدار با دانشمندان و روشنفکران: در زمان برپایی نمایشگاه بین‌المللی کتاب سوریه، و پس از آن، در مواقعی که فراغتی به دست می‌آمد، با برخی از روشنفکران و دانشمندان سوری ملاقاتهایی داشتم، که عامل و وسیله این گردهم‌آییها، یکی از ناشران متفکر و بااخلاص و ایمان سوری بود، که در حاشیه نمایشگاه و پس از تعطیلی نمایشگاه، در منزل خود و یا در منازل دیگر دانشمندان سوری، نشستهایی تشکیل می‌داد و زمینه ملاقات و آشنایی این جانب و آنان را فراهم می‌کرد. در این جلسات و نشستها، گفت‌وگوهایی در باره مسائل مختلف علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، و به‌ویژه مسائل مسلمانان و نهضت‌های انقلابی عصر حاضر و راههای رفع مشکلات مسلمانان، انجام می‌گرفت. این دانشمندان و روشنفکران، توجه عمیقی به ایران اسلامی داشتند؛ و مسائل ایران و حرکتها و پیشرفتهای علمی، فرهنگی، اقتصادی و اسلامی ایران را به دقت دنبال و ارزیابی می‌کردند.

ب. جمهوری لبنان

پس از پایان نمایشگاه بین‌المللی کتاب سوریه، برای شناسایی و تهیه منابع و بازدید از برخی مؤسسات و مراکز علمی و کتابخانه‌ها، راهی لبنان شدم. در لبنان با مراجعه به انتشاراتیها و کتابفروشیهای مهم در بیروت، اقدام به خریداری برخی منابع مورد نیاز شد. در کنار خریداری کتابها، به دیدار برخی از مؤسسات و مراکز علمی و تحقیقی و کتابخانه‌ها پرداختم. همچنین با برخی از دانشمندان و روشنفکران و عالمان لبنانی نیز دیدارهایی داشتم، که به این شرح است:

۱. انستیتوی شرق‌شناسی آلمان در بیروت: یکی از مراکز پژوهشی مهم لبنان، که پیشینه‌ای دیرینه و پر بار دارد، انستیتوی شرق‌شناسی آلمان (المعهد الآلمانی للابحاث الشرقیه) در بیروت است، که تابع انجمن شرق‌شناسان آلمان دانشگاه برلین است. برای آشنایی با تاریخچه تأسیس این مرکز علمی، شایسته است درنگی کوتاه داشته باشیم.

محور اساسی مرکز شرق‌شناسی آلمان در بیروت را پژوهشهای اسلامی و تحقیقات در باره ادبیات و زبان عربی و سامی تشکیل می‌دهد. هسته مرکزی شرق‌شناسی در آلمان، از سال ۱۸۸۷م در انستیتوی زبانهای شرقی آغاز گردید. این مرکز در ابتدا مستقل بود، ولی دانشگاه برلین بر اداره آن نظارت داشت، اما به هیچ یک از دانشکده‌های این دانشگاه وابسته نبود. سپس این مؤسسه با دانشگاه برلین ادغام گردید؛ اگرچه بعدها این ادغام مورد اعتراض شدید مدرسان این مرکز قرار گرفت، زیرا آنان معتقد بودند که برای پژوهشهای خارجی، باید یک دانشگاه مستقل تأسیس شود.

بکر، یکی از اساتید دانشگاه، که در این زمینه تجربه داشت و زمانی استاد انستیتوی مستعمرات در هامبورگ بود، با این نظریه مخالفت کرد و آن را غیر منطقی دانست. با این مخالفت، وزارت علوم در رسیدن به این هدف ناکام ماند و خسارتهای فراوانی به پژوهشهای اسلامی معاصر زد، ولی به رغم این شکست و زیانها، مرکز شرق‌شناسی آلمان، بکر، با ایجاد مرکز شرق‌شناسی آلمان در استانبول، با استفاده از رابطه‌های علمی با متفکران جهان اسلام، در کار خویش موفقیت شایانی کسب کرد. هلموت ریتر از سال ۱۹۲۷ تا ۱۹۴۹م مدیریت مرکز شرق‌شناسی آلمان در استانبول را به عهده داشت. وی کتابخانه‌ای اسلامی را که دارای مجموعه‌ای از متون عربی، فارسی و ترکی است، در استانبول تأسیس نمود؛ و طولی نکشید که این کتابخانه به سبب توجه فراوانش به آثار خطی موجود در استانبول و رابطه عمیق با دانشمندان جهان اسلام، شهرتی جهانی پیدا کرد.

دست به شناسایی در کشورهای مختلف زد. سرانجام بیروت را انتخاب نمود، که مرکزی مهم در جهان عرب بود و دارای مردمی با فرهنگ و خونگرم و دارای روابطی خوب با دیگر کشورها بود. کتابخانه‌های فراوان، دانشگاه‌های معتبر فعال، مراکز و مؤسسات فرهنگی متعدد، چاپخانه‌های مهم، مراکز نشر جراید معتبر دنیای عرب، از ویژگی‌های این شهر بود.

در اواخر ژانویه ۱۹۶۱، دولت آلمان با صرف هزینه‌های مالی موافقت نمود؛ و مرکز شرق‌شناسی آلمان در بیروت آغاز به کار کرد. در اول ماه اوت همان سال، جمعیت عمومی شرق‌شناسان آلمان، نام مرکز را انتخاب، و نظامنامه داخلی آن را تعیین کرد؛ و اداره آن را به آقای هانس روبرت رومر واگذار نمود.

دست یافتن سریع به وسایل لازم برای شروع کار، به گروه کوچک مرکز، که برای شروع کار آماده بودند، امکان آغاز به کار و انجام وظایفی را داد که مرکز برای آن تأسیس شده بود. این گروه مرکب از مدیر و یکی از دانشجویان بورسیه جمعیت، یک کارمند لبنانی، یک منشی و یک سرایه‌دار بود. بعدها یک کارمند لبنانی دیگر، و مسئول کتابخانه علمی و یک دانشجوی بورسیه دیگر، به این مجموعه افزوده شدند.

دکتر هلموت ریتز، که حلقه ارتباط بین مرکز پژوهش‌های شرقی آلمان در بیروت و شعبه سابق در استانبول بود، گاه‌گاهی به بیروت سفر می‌کرد. وی در باره زبان طوروی (الطورویه)، که یکی از زبانهای شرقی و منسوب به سرزمین «طور عبدین» است و یکی از زبانهای آرامی نوین به شمار می‌رود، تحقیق می‌کرد. تحقیقات وی بعدها در چهار جلد، به دست این مرکز انتشار یافت. در همین راستا، تحقیق کاملی نیز در باره لهجه‌های مختلف زبان عربی در لبنان و سوریه، به عمل آورد، که این تحقیق نیز منتشر شد.

از اولین اهداف علمی مرکز، تهیه یک فرهنگ لغت آلمانی-عربی بود. این کار ابتدا در آلمان شروع شد و در سال ۱۹۷۴م، زیر نظر جمعیت شرق‌شناسان آلمان، ثمره اولین پژوهش منتشر

هنگامی که شرق‌شناسی، پس از جنگ جهانی دوم، دوباره در آلمان رونق گرفت، در بهار سال ۱۹۵۱ م توافق مبنی بر همکاری مؤسسه باستانشناسی آلمان برای در اختیارگذاشتن شعبه‌های آن مؤسسه و آماده کردن آنها به منزله مرکزی برای استقبال از مستشرقان تشکیل شد. اولین مکان در استانبول و سپس در قاهره تعیین گردید؛ و بعدها شعبه‌هایی در تهران، بغداد و مادرید گشایش یافت.

طبع و نشر متون مهم، در رشته‌های مختلف شرق‌شناسی، به ویژه اسلام‌شناسی، که نسخه‌های خطی آنها در کتابخانه‌های اروپایی و آلمان وجود داشته‌اند و یا از شرق به آلمان برده شده‌اند، از فعالیت‌های مهم این مرکز است.

محققان و دانش‌پژوهان آلمانی، به‌هنگام کار در آکادمی شهر ماینز، در مرکز مدیریت شرق‌شناسان آلمان، همیشه با مشکلاتی در زمینه عدم اطلاعات کافی مواجه بودند؛ به‌ویژه هنگام عزیمت هیئت آلمانی به مؤسسه باستانشناسی آلمان در قاهره، در نیمه دوم دهه پنجاه، این کمبودها بیشتر احساس شد. مخصوصاً پس از رونق گرفتن مجدد پژوهش‌های شرق‌شناسی در آلمان و گسترش یافتن دایره تحقیقات، این مشکلات بیشتر نمایان گشت؛ و معلوم شد که دستیابی به اهداف مورد نظر، بدون وجود یک مرکز ویژه، برای تحقیق در زبانهای تاریخی در کشورهای شرقی نزدیک به غرب ممکن نیست. مدیر جمعیت شرق‌شناسان آلمان در آن زمان، دکتر هانس فار، در این زمینه کمک فراوانی کرد. همو بود که پس از مذاکرات مفصل با مسئولان جمهوری فدرال آلمان، در باره جلب مساعدت مالی دولت، نقش مؤثری را در ایجاد چنین مرکزی ایفا کرد؛ و در نهایت، وزیر کشور آلمان غربی به اهمیت علمی ایجاد یک مرکز برای پژوهش‌های شرقی پی برد؛ و وعده مساعد داد که دولت کمک مالی بکند.

هانس روبرت رومر، پس از پایان کار، در بهار ۱۹۶۰م، در قاهره، و با مأموریت از طرف جمعیت شرق‌شناسان آلمان، برای پیدا کردن یک مکان مناسب جهت برپایی این مرکز،

شد. همچنین برای گردآوری و نگهداری کتابهایی که چاپ شده و یاد در حال چاپ بودند و شرق‌شناس معروف، بروکلیمان، در کتاب خود به نام تاریخ ادبیات عرب نامی از آنها به میان نیاورده بود، اقدام لازم صورت گرفت. تا پایان سال ۱۹۶۲م نزدیک به هزار کتاب جمع‌آوری شد. پس از انتشار کتاب تاریخ الادب العربی، نوشته دکتر فواد سزگین، در سال ۱۹۶۷م، دیگر دلیلی برای ادامه این کار دیده نشد. نیز در همان وقت، برای گردآوری مجموعه‌ای از کتابهای علمی و ادبی در لبنان و سوریه اقدام لازم صورت گرفت؛ و اسامی این کتابها در مجله جمعیت شرق‌شناسان آلمان، در سه نوبت، در سالهای ۱۹۶۲، ۱۹۶۵ و ۱۹۷۰م انتشار یافت.

انتشار الوافی بالوفیات صفدی در سی جلد، که بیشتر آنها تا کنون منتشر شده، و مرکز با کمک کارمندان، دانشمندان و محققان مختلف در شرق و غرب کار چاپ این کتاب مهم را بر عهده داشته است.

در این مرکز، کتابخانه‌ای بتدریج به وجود آمد که اکنون دارای بیش از صد هزار جلد کتاب، و ۱۱۳۵ عنوان مجله ادواری است، که ۶۴۶ دوره آن به زبانهای شرقی و ۴۸۹ دوره آنها به زبانهای اروپایی و غربی است.

در کنار تأسیس این کتابخانه، مجموعه‌ای دیگر از کتابهای پژوهشی به چاپ رسید، که این مجموعه به متون و پژوهشهای بیروتی شهرت یافت؛ و گویای فعالیتهای چشمگیر پژوهشگران مرکز بود.

اهداف این مرکز شامل محورهای زیر است:

(الف) ارائه خدمات به دانشجویان دکترا، برای تحصیل ادبیات عرب و زبان سامی؛

(ب) سرویس دهی به دانشجویان دکترا، برای پژوهشهای اسلامی؛

(ج) فراهم آوردن زمینه فراگیری زبان عربی، با لهجه محلی، برای شرق‌شناسان جوان؛

(د) فراهم کردن امکانات برای دیدار شرق‌شناسان از آثار

قدیمی و کهن؛

(ه) ایجاد امکانات سفر آنان به دمشق، قاهره، بغداد و کلیه پایتختهای خلفای قدیم؛

(و) تشویق نسل جدید مستشرقان به پژوهشهای عربی-سامی و اسلامی؛

(ز) ایجاد رابطه با دانشمندان و پژوهشگران در جهان عرب؛
(ح) اقدام به پژوهشهای مختلف، در زمینه ادبیات عرب و مسایل مربوط به اسلام و انتشار آنها.

در اواخر دهه شصت، شعبه دیگری از مرکز شرق‌شناسی آلمان، در هند تأسیس شد، که بنا به عللی، دو سال بعد تعطیل گردید.

در ژوئیه ۱۹۶۷، میان مرکز بیروت و مرکز پژوهشهای آسیایی، در حیدرآباد دکن معاهده‌ای به امضا رسید، که به موجب آن شعبه جدیدی از مرکز در حیدرآباد تأسیس شد. این شعبه در نوزدهم اکتبر همان سال، با حضور نماینده دولت محلی ایالت آتارپرادش افتتاح گردید. وظیفه این شعبه، که دکتر هانس کروزی ریاست افتخاری آن را به عهده گرفت، در درجه اول، کاوش در محورهای تحقیقات اسلامی هند بود، اما این شعبه نیز پس از یک سال موقتاً بسته شد. پس از عزیمت دکتر هانس کروزی، در تابستان ۱۹۶۹م، مقرر شد که این شعبه بسته بماند و وظایف آن را مرکز شرق‌شناسی آلمان در هند، که قرار بود در همان شهر تأسیس شود، بر عهده بگیرد. در همان سال، شعبه حیدرآباد دکن به گنجینه‌ای گرانبها دست یافت. این گنجینه، اهدای کتابخانه مرحوم نظام‌الدین، صاحب دایرةالمعارف، به مرکز بود. این کتابها، که ثروت گرانبهایی برای اسلام، ایران و هندوستان است، هم اکنون در سالن ویژه‌ای که به نام اهدا کننده نامگذاری شده، نگاهداری می‌شود.

برخی آثار و تحقیقات انتشار یافته مرکز شرق‌شناسی آلمان در بیروت، به این شرح است:

۱. مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری، با تحقیق هلموت ریتر، ۱۳۸۲ق / ۱۹۶۳م،

- جزء اول، چاپ دوم.
۱۳. نظم الذر والعقیان، محمد بن عبدالله بن عبدالجلیل تنسی، قسم چهارم، تحقیق نوری سودان، ۱۴۰۱ق / ۱۹۸۰م.
۱۴. کتاب النجاة، احمد الناصر، تحقیق مادلونگ، زیر چاپ.
۱۵. کتاب سیرة الملک الظاهر ابن شداد، تحقیق احد حطیط، زیر چاپ.
۱۶. علم الجدل فی علم الجدل، نجم الدین الطوفی الحنبلی، تحقیق هانریش.
- غیر از این کتابها، انتشارات دیگری نیز دارد، که ۳۴ عنوان آن به زبان آلمانی و با عنوان «نصوص و دراسات بیروتیه» شهرت دارد، که در طول سالهای ۱۹۶۴ تا ۱۹۸۰م انتشار یافته‌اند. برخی از انتشارات آن نیز در فاصله سالهای ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۹م در نوزده عنوان انتشار یافته است.
۲. مؤسسه امام علی علیه السلام: این مؤسسه، که در چند سال اخیر تأسیس شده، زیر نظر آقای علاء آل جعفر است. حجت الاسلام والمسلمین سید جواد شهرستانی، این مؤسسه را تأسیس کرده است. هدف اصلی آن، ترجمه کتابهای شیعی به زبانهای مختلف دنیا است؛ و تا کنون بیش از بیست عنوان کتاب به زبانهای انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و ایتالیایی ترجمه و منتشر شده است.
۳. دیدار با دکتر کعک، استاد دانشگاه عربی بیروت، که به زبان فارسی بسیار مسلط است. دیدار با ایشان در راینزنی فرهنگی ایران در بیروت انجام گرفت، که سودمند بود.
۴. دیدار با دکتر علی شیری، محقق و پژوهشگر تاریخ دمشق، که هشتاد جلد است، در انتشارات دارالمعارف در بئر العبد واقع در ضاحیه جنوبی بیروت.
۲. بدائع الزهور فی وقایع الدهور، از محمد بن احمد بن ایاس حنفی، قسمتهای دوم تا پنجم، تحقیق محمد مصطفی، از ۱۳۷۹-۱۳۹۲ق / ۱۹۶۰-۱۹۷۲م و قسم ششم آن با تحقیق پاول کاله، محمد مصطفی و دیگران، ۱۹۴۵م.
۳. الوافی بالوفیات، صلاح الدین خلیل بن ایبک صفدی، با تحقیق جمعی از دانشوران، از ۱۹۴۹ تا ۱۹۹۷م، در سی جلد، که به استثنای مجلداتی از آن، بقیه چاپ شده‌اند.
۴. الحکایات العجیبة والاکخبار الغریبة، تحقیق هانس وبر، ۱۹۵۶م.
۵. اسرار البلاغة، از عبدالقاهر جرجانی، ترجمه از عربی به آلمانی، هلموت ریتز.
۶. دیوان ابی نواس الحسن بن هانی الحکمی، به تحقیق ایوالد واگنر، ۱۹۵۸، قسم اول، ۱۹۷۲م، قسم دوم با تحقیق گریگور شولو، زیر چاپ.
۷. طبقات المعتزله، احمد بن یحیی بن مرتضی، در ۱۹۶۱م.
۸. مشاهیر علماء الامصار، محمد بن حبان بستی، در ۱۳۷۹ق / ۱۹۵۹م.
۹. نورالقبس المختصر من المقتبس فی اخبار النحاة والادباء والشعراء والعلماء، ابو عییدالله محمد بن عمران مرزبانی، و اختصار ابوالمحاسن یوسف بن احمد بن محمود یغموری، قسم اول، تحقیق رودلف زلهایم، ۱۳۸۴ق / ۱۹۶۴م.
۱۰. کنزالولد، ابراهیم بن حسین حامدی، تحقیق مصطفی غالب، ۱۳۹۱ق / ۱۹۷۱م.
۱۱. مکارم الاخلاق ابویکر عبدالله قرشی بغدادی معروف به ابن ابی الدنیا، تحقیق جیمز بلمی، ۱۳۹۳ق / ۱۹۷۲م.
۱۲. انساب الاشراف، بلاذری، قسم سوم تحقیق عبدالعزیز الدوری، ۱۳۹۸ق / ۱۹۷۸م و قسم ۱ و ۲ تحقیق محمود الفول، زیر چاپ و قسم ۴ جزء اول تحقیق احسان عباس، ۱۴۰۰ق / ۱۹۸۰م و قسم ۴ جزء ۲، تحقیق عبدالعزیز دوری، زیر چاپ و قسم ۵ تحقیق و دادالقاضی، زیر چاپ.